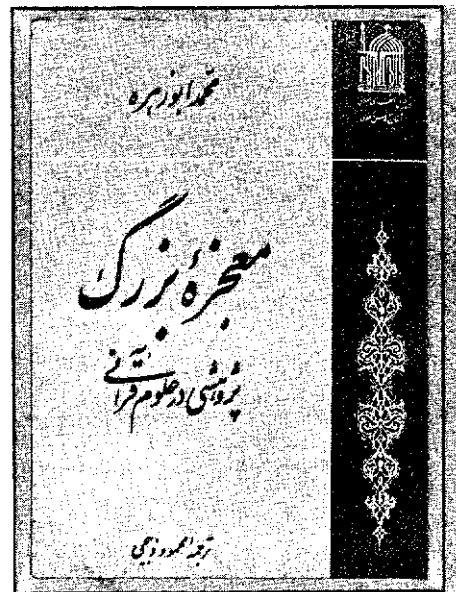


## معرفیهای اجمالی

متوفای ۸۹ و یا ۹۰ است. در سده‌های واپسین و در دوره‌های گسترش تدوین، نگارش‌هایی از این دست نیز فزونی یافت و در قرن چهاردهم که اوج روی‌آوری متفکران به قرآن است، این آثار نیز جایگاه ویژه‌ای یافت. کتاب «المعجزة الكبرى» به‌خامه نویسنده نامدار و سختکوش مصری، محمد ابوزهره، یکی از گران ارج‌ترین آثار این مجموعه است. وی در فصل اول، از قرآن به عنوان بزرگترین معجزة پیامبر سخن گفته و آنگاه در فصل دوم، مسأله نزول قرآن و فلسفه تدریجی بودن آن، کتابت و گردآوری قرآن، ترتیب سوره‌ها، قرائت‌های مختلف، و... را به بحث نهاده است. «اعجاز قرآن» عنوان بعدی است که مفصلترین، شیواترین و سودمندترین بحث کتاب است. مؤلف در این بخش ابتدا چگونگی اعجاز قرآن را تبیین می‌کند و نیز اعجاز بودن آن را می‌نماید و اندیشه «صرفه» را در اعجاز، نقد و بررسی کرده و با توجه دادن به ریشه‌های تاریخی آن، «صرفه» را از اندیشه‌های وارداتی فرهنگ برهمایی تلقی می‌کند. آنگاه به وجوه اعجاز قرآن می‌پردازد و از ابعاد گونه‌گون آن سخن می‌گوید و اعجاز بیانی قرآن را به گونه ارجمند و دقیق می‌نماید. در بخش دیگر، سخن در دانش‌های محتوایی قرآن است که مترجم عنوان علوم قرآن را بدان نهاده و دقیق نیست. در ضمن این فصل از توحید، نبوت، معاد و برخی از مسائل دیگر سخن رفته است. تفسیر و جریان‌های گونه‌گون آن، بخش دیگری از کتاب است که به اختصار نهاده شده و در ضمن آن از سیر تفسیر و اسرائیلیات در تفسیر قرآن بحث شده است. بخش نهایی کتاب، «تغنی به قرآن» است. این بحث ابوزهره نیز دقیق و رهگشاست. خلاصه اینکه کتاب «معجزة بزرگ» بر روی هم کتابی است خواندنی و سودمند، و ناشر و مترجم با ترجمه و نشر آن بی‌گمان در ادبیات فارسی گامی شایسته در پژوهش‌های قرآنی برداشته‌اند.



معجزة بزرگ: پژوهشی در علوم قرآنی. محمد ابوزهره. ترجمه محمود ذبیحی. (مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰) ۷۳۸ص، وزیری.

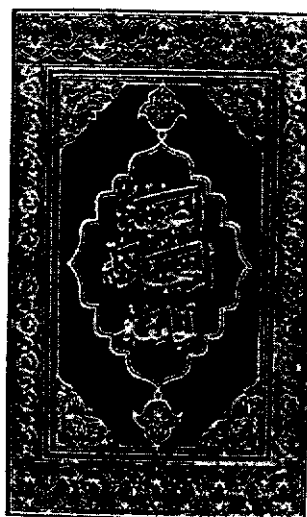
بخش عظیمی از آثار تدوین شده در آستانه قرآن را کتابهای «علوم قرآنی» تشکیل می‌دهد. در تعریف علوم قرآن از جمله نوشته‌اند:

مباحثی است که از نزول قرآن، جمع و تدوین و کتابت و قرائت آن، تفسیر و تأویل و اعجاز آن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، چگونگی قصه‌ها و گرایش‌های آن و دفع شبهه از ساحت قرآن و... گفتگو می‌کند. (مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۰؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۰؛ فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۸.

پیشینه آثاری از این دست به قرن‌های آغازین اسلام می‌رسد. در مثل در منابع کتاب‌شناسی و شرح حالنگاری، از کتاب «القرائه» یحیی یعمر یاد شده است که

آقای واعظ زاده در مقدمه ای کوتاه به اهمیت کتاب توجه داده اند و بخش اعجاز آن را ضمن آنکه پیراسته از نقص ندانسته اند، اما از بهترین بحثها در این زمینه تلقی کرده اند. مترجم نیز در ضمن مقدمه ای کوتاه به سیر نگارشهای علوم قرآن اشاره کرده اند و از چگونگی محتوای کتاب سخن گفته اند و در پایان ضمن توجه دادن به نکاتی، کتاب را در مواردی قابل نقد و نظر دانسته اند. سخن جناب واعظ زاده و مترجم محترم درست می نماید. بحث جمع قرآن، نزول قرآن، حدیث «احرف سبعة» و نیز مسأله قرائتها در این کتاب و دیگر آثار علوم قرآنی اهل سنت به شدت نقدپذیر و ناستوار است. موارد دیگری نیز در این کتاب قابل گفتگو است که برخی را مترجم یادآوری کرده است. حروفچینی و چاپ کتاب در شأن این اثر فاخر نیست. جا داشت بنیاد پژوهشهای اسلامی که مؤسسه سختکوش و پرتلاش است این اثر را زیباتر و چشم نوازتر و شایسته تر از این عرضه می کرد.

محمدعلی مهدوی راد



### الصحيفة السجادية الجامعة

صحيفة مباركة سجادية، یعنی مجموعه ادعیه دلنشین امام زین العابدین - علیه الصلاة والسلام - را «زبور آل محمد» و «انجيل اهل البيت» و «اخذ القرآن» خوانده اند.

غیر از صحیفه سجادیه معروف، گروهی از عالمان که به ادعیه دیگری از حضرت سجاد - ع - دست یافته اند، مجموعه هایی از ادعیه آن حضرت را جمع آوری کرده اند که عبارتند از:

۱ - الصحيفة السجادية الثانية؛ به این اعتبار که صحیفه سجادیه معروف، «صحيفة اولی» به حساب آمده است - گردآورنده این اثر محدث معروف، محمدبن حسن حر عاملی متوفای ۱۱۰۴، صاحب وسائل الشیعة است. این اثر به سال ۱۳۱۱ قمری در بمبئی چاپ شده است.

۲ - الصحيفة السجادية الثالثة؛ جمع آوری عالم معروف میرزا عبدالله افندی اصفهانی، شاگرد علامه مجلسی و متوفای حدود ۱۱۳۴ قمری، صاحب کتاب مشهور ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. این اثر در سال ۱۳۶۴ قمری در تهران چاپ شده است.

۳ - الصحيفة السجادية الرابعة؛ جمع آوری محدث متتبع، حاج میرزا حسین نوری، استاد شیخ آقابزرگ تهرانی و محدث قمی - رضوان الله علیهم - و متوفای ۱۳۲۰ قمری. این مجموعه نیز چاپ شده است.

۴ - الصحيفة السجادية الخامسة؛ جمع آوری عالم مصلح، سید محسن امین، صاحب کتاب گرانسنگ اعیان الشیعة، که در سال ۱۳۳۰ در دمشق چاپ شده است.

و جز اینها، برخی دیگر از علما به جمع آوری ادعیه آن حضرت پرداخته اند. (رک: ذریعه، ج ۱۵، ص ۱۸ - ۲۱). اما صحیفه سجادیه معروف از قدیم الایام مورد استفاده و شرح و تحشیه بوده است؛ به طوری که ابن ادریس، صاحب سرائر، در سال ۵۷۰ و شهید اول، دو مرتبه به سالهای ۷۷۲ و ۷۷۶، و نیز شهید ثانی آن را به خط خود استنساخ کرده اند و به گفته شیخ آقابزرگ تهرانی - قدس سره - نسخه خط شهید ثانی در مدرسه فاضلیه مشهد موجود است و نسخه خط شهید اول نیز در کتابخانه سید محمدتقی بن حسین بن دلدار علی موجود بوده است. (ذریعه، ج ۱۵، ۱۹).

آن؛ و فهرست روایانی که نامشان در شجره اسانید وارد شده است.

در چاپ مورد بحث، بحثهای مفصلی راجع به اسانید صحیفه مبارکه انجام شده و به صورت مشجر در آمده که استفاده از آن را آسان می کند. نکته قابل ذکر اینکه، ظاهراً این ادعیه تنها با نسخ چاپی آنها و کتب ادعیه چاپی مقابله شده و به هیچ یک از نسخ خطی صحیفه یا ادعیه دیگر مراجعه نشده است که این نقص بزرگی است. دیگر اینکه بسیاری از لغاتی که در پانوشتها معنی شده، لغاتی آسان است نه مشکل. و پیداست که برای فارسی زبان بی بهره از عربی سودی ندارد و عربی دان هم معانی بسیار از آنها را می فهمد. برای نمونه به لغات ذیل می توان اشاره کرد: سَلَفَ: مضی (ص ۲۸۹)؛ حسبک الله: کافیک (ص ۲۸۳)؛ خاب: خسر (ص ۲۸۳)؛ الغل: الحقد (ص ۲۸۱)؛ وزری: اثمی و ذنبی (ص ۲۶۲)؛ جزیل: عظیم و کثیر (ص ۲۵۶)؛ تجوی: سر (ص ۲۵۶)؛ الحرص: الجشع و البخل (ص ۲۵۰)؛ الوجد: الخائف (ص ۲۴۲)؛ لایشوبه: لایخالطه (ص ۲۳۹).

دیگر اینکه اگر مجموعه ادعیه به این نحو در هم ادغام نمی شد، و آنچه مرسل و بی سند است جدا و آنچه مسند و دارای سند معتبر است جدا می شد، بهتر بود.

دیگر اینکه در پاورقیها نسخه بدلهاپی ذکر شده، ولی مشخص نشده که این نسخ بدلهاپی از چه نسخه ای است؟ و آنچه در متن آمده در چه نسخه ای؟ و توضیح نداده اند که روش تصحیح چه بوده است؟ با توجه به اینکه کتاب حدیث و دعا دارای اهمیت خاصی است و از روش تصحیحی خاص باید در آن استفاده شود و از روشهایی که در بسیاری از دیگر کتب به کار می رود، نمی توان پیروی کرد.

به هر حال کتاب حاضر و تصحیح و چاپ زیبای آن، اقدامی ستودنی است و امید است چاپ بعدی آن آراسته تر و بهتر گردد.

ابوحسن رضوانشهری

بر صحیفه سجادیه شروح و حواشی متعددی نوشته شده که از معروفترین آنهاست ریاض السالکین، نوشته عالم ادیب سید علیخان کبیر، و الحدیقه الهالیه، تألیف شیخ بهایی، متوفای ۱۰۳۰ قمری. البته شرح اخیر تنها شرح بخشی از صحیفه است و نه همه آن. همچنین از شروح جدید صحیفه، می توان از شرح و ترجمه فیض الاسلام و شرح محمدجواد مغنیه تحت عنوان فی ظلال الصحیفه السجادیة نام برد.

البته گذشته از شرح نویسی بر صحیفه معروف، کارهای دیگری هم درباره آن انجام شده است. مانند:

- المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفه الکامله، تألیف سید علی اکبر قرشی.

- الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیة، از شیخ محمدحسین مظفر.

آنچه اکنون مورد بحث است، چاپ تازه صحیفه است با نام الصحیفه السجادیة الجامعة که مؤسسه امام مهدی در قم آن را منتشر کرده است. در این مجموعه همه ادعیه موجود از حضرت سجاد-اعم از صحیفه کامله معروف و غیر آن- در یکجا مجرماً جمع آوری و چاپ شده است و شامل دویست و هفتاد دعا و در حدود ششصد صفحه و زیری است. افزون بر متن ادعیه، در پانوشتها لغات مشکل معنی شده، و بحثهای گوناگون دیگری درباره این مجموعه ارزشمند شده است. مانند:

بحث درباره سند متداول صحیفه سجادیه؛ اسانید صحیفه سجادیه و اجازات آن؛ شجره اسانید صحیفه؛ و بالاخره فهرستهای متعدد، شامل چهارده فهرست از جمله: فهرست موضوعات ادعیه صحیفه؛ فهرست ادعیه مخصوص اوقات؛ فهرست ادعیه امام-ع- در اماکن مختلف؛ فهرست کسانی که امام-ع- آنها را دعا کرده است؛ فهرست کسانی که امام-ع- آنها را نفرین کرده است؛ فهرست اسانید صحیفه سجادیه و اجازات

جمع آوری روایاتی پرداخته که از محکمت باشد و در تطبیق و مقابله به تعارض نینجامد. از این روی از احادیث بسیاری که آنها را به لحاظ زمان صدور، ویژه مردم آن زمان یافته، چشم پوشیده و اسناد روایات را به لحاظ اختصار حذف کرده است. این اثر در هفت کتاب فراهم آمده است که عناوین آنها بدین گونه است: العقل، العلم، التوحید النبوة و الأمامه، الفتن، انباء القائم والمعاد که هر کدام از این کتابها ابوابی دارند. مؤلف بزرگوار آن در مقدمه کتاب نوشته اند:

پس از تحقیق و تفحص در میان احادیث فراوان و پراکنده شده در کتب اربعه، و جمع و تفریق و تبویب و تهذیب و تنظیم موضوعی آنها در کتاب «وافی» و گزینش احادیث اصول و ارکان آنها در کتاب «الشافی»، آهنگ آن کردم که از کتابهای حدیثی معتبر نیز- غیر از کتب اربعه- احادیثی را که الفاظ و مضمون آن با احادیث فراهم آمده همگون نباشد، گرد آورم، تا ضمن تکمیل ابواب «شافی»، استدراکی باشد بر آن.

نوادر به سال ۱۳۳۹ به صورت چاپ سنگی منتشر شده بود و اینک با تحقیق و تصحیح دقیق و چاپی منقح و چشم نواز نشر یافته است. محقق محترم، کتاب را بر اساس نسخه های خطی مقابله و تصحیح کرده و در استخراج منابع احادیث، مصادر حدیثی فراوانی را کاویده و روایات منقول را به منابع متعددی ارجاع داده و اختلاف نسخه ها و تفاوت متن با مصادر و منابع را در پانوشتها ضبط کرده است. افزون بر آنچه یاد شد، وی به برخی از موارد احادیث توضیحاتی نگاشته و واژه های دشواریاب را توضیح داده اند. مقدمه کتاب گزارشی است از سیر تدوین حدیث، چگونگی کتاب، شرح حال و آثار مؤلف و شیوه تصحیح و تحقیق آن. فهرستهای پایانی کتاب نیز دقیق و سودمند است: فهرست آیات، احادیث قدسی، احادیث، آثار، اعلام، کتابها، جایها، فرقه ها و مسلکها و اشعار.

محمدعلی مهدوی راد



نوادر الأخبار فی ما يتعلق باصول الدین. ملامحسن فیض کاشانی. تحقیق مهدی انصاری قمی، (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰). ۴۶۴ص، وزیری.

عنوان «نوادر» در میان آثار حدیثی ما عنوانی آشناست. پس از دور تدوین و تبویب و تنظیم احادیث، روایاتی را که به لحاظ محتوا در ابواب معهود نمی گنجید و بحث تعدد مضمون باب مستقلی را نیز بر نمی تابید، دانشمندان در ذیل عنوان «نوادر» جمع کردند. برخی از عالمان، این گونه احادیث را گرد آورده و در مجموعه هایی مستقل نشر داده اند که مشهورند و شناخته شده. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در این باره نوشته اند:

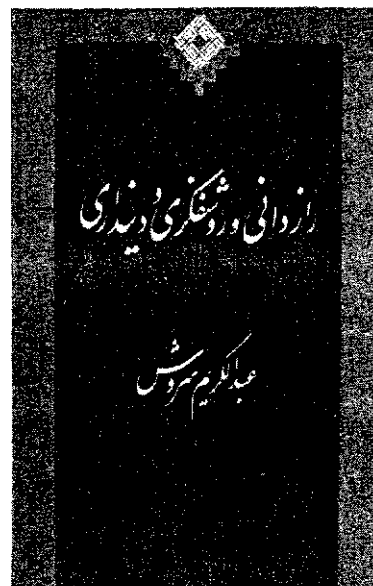
النوادر عنوان عام برخی از نگاشته های محدثین شیعه، در چهار قرن نخستین از هجرت است. در این گونه آثار، احادیث غیر مشهور و احادیث مشتمل به احکام غیر متداول و یا استثنایی، استدراکی و غیر آن فراهم می آمده (الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۱۵).

اما آنچه اینک مورد گفتگو است، تنها می تواند بر آخرین بخش تعریف مرحوم شیخ آقابزرگ، یعنی «استدراک» منطبق باشد. مرحوم فیض در این کتاب، به

هجرت از یک حوزه فکری محدود و سرکشی به حوزه‌ها و افقهای دیگر فکری، درد دین داشتن، درد توانایی و خلوص دین داشتن، و سرانجام آفت شناسی و خرافه ستیزی، پنج مشخصه و ویژگی روشنفکران دیندار است که به تفصیل مورد بحث قرار گرفته شده است. از مباحث دیگری که مؤلف در این مقاله بدان اشاره کرده و حائز اهمیت است، مسأله التقاط و خلوص و فقه پویا و سنتی است که امید است این مسائل اساسی و حیاتی از جانب دیگر محققان در فضایی کاملاً علمی مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد و جوانب دیگر آن بررسی شود.

در دومین مقاله کتاب تحت عنوان رازدانی و روشنفکری، از پدیده‌ای به نام رازدانی و غفلت سخن رفته است و تناسب آن با روشنفکری مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف یادآور شده است که «رازدانی و زندگی غافلانه مهمترین خصلت روشنفکران است که در مکتب پیامبران آموخته می‌شود.» سپس توضیح داده شده که مقصود از رازدانی و زندگی غافلانه این است که انسان بتواند در عرصه حیات، هم بازیگر باشد و هم تماشاگر. در ادامه این بحث به تفصیل از بازیگری و تماشاگری و غفلت شناسی و رازدانی سخن رفته است. سومین مقاله کتاب تحت عنوان سه فرهنگ،

عهده دار بحث در این باره است که ما ایرانیان مسلمان وارث و حامل سه فرهنگ هستیم: فرهنگ ملی، دینی و غربی. آنگاه جایگاه هر یک از این فرهنگها در میان ما نشان داده شده است و اینکه هویت فرهنگی، امری متحول و سیال است و ثابت دانستن آن، مشکل آفرین است و هیچ فرهنگی به طور مطلق نه قابل دفاع است و نه قابل مخالفت و... از مباحث بسیار مهمی که در این مقاله مطرح شده، بحث «بازگشت به خویش» است و داوری درباره آن و اینکه باید اندیشه‌ها معطوف بر «ساختن خویش» گردد.



رازدانی و روشنفکری و دینداری. عبدالکریم سروش. (چاپ اول: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۰). پنج + ۱۵۷ص، وزیری.

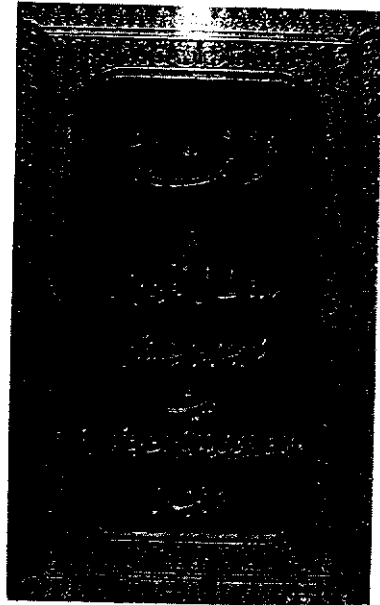
کتاب حاضر متن تنقیح و تکمیل شده چند سخنرانی مؤلف است که پیشتر در نشریات نیز منتشر گردیده بود. عنوان هر یک از موضوعات کتاب عبارت است از: روشنفکری و دینداری، رازدانی و روشنفکری، سه فرهنگ، و مبانی تئوریک لیبرالیسم. مؤلف وعده داده است که چاپ بعدی کتاب، مشتمل بر مقاله‌ای دیگر تحت عنوان مبانی تئوریک فاشیسم خواهد بود که مناسبت تام با مطاوی این کتاب دارد.

در نخستین و مهمترین مقاله کتاب حاضر که تحت عنوان روشنفکری و دینداری است، مؤلف این سؤال اساسی را مطرح کرده که «آیا روشنفکری و دینداری قابل جمع هستند؟» سپس به تحلیل پدیده روشنفکری پرداخته شده و قابل جمع بودن آن با دینداری نمایانده شده است. در این مقاله ضمن نقد نظر جلال آل احمد درباره روشنفکری، به بررسی نهضت روشنفکری در غرب و پشتوانه‌های تئوریک آن و چگونگی ورود آن به ایران پرداخته شده است. سپس مشخصات روشنفکران دیندار تبیین شده است: عشق به علم و فکر و هنر،

در آخرین مقاله کتاب به مبانی تئوریک لیبرالیسم پرداخته شده است. علل پیدایش لیبرالیسم و جایگاه آن، اشاره ای به مبانی لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی، بررسی شعار لیبرالیسم، انسان شناسی لیبرالیسم و تنافی اصل ولایت دین با لیبرالیسم، از مباحث این مقاله است. مؤلف خاطر نشان ساخته که شعار «جرئت دانستن داشته باش» که مهمترین شعار دوره روشنفکری است، در عین حال شعار لیبرالیسم هم هست. در پایان این مقاله آمده است: «هیچ دینداری نمی تواند لیبرال باشد ... مگر می شود کسی دیندار باشد و به مقدساتی جاودانه باور داشته باشد و باز هم لیبرال (آزاد از مقدسات) خوانده شود؟»

مختصر اینکه کتاب مزبور عهده دار بحث درباره پاره ای از مقولات مهم و ایدئولوژیک است و مؤلف شجاعانه و عالمانه به بررسی آنها پرداخته و اثری دیده گشا و غفلت زدا فراهم آورده است.

رضا افشار



شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی. مهدی فقیه ایمانی. (قم، ناشر: مؤلف، ۱۳۷۰). ۵۴۸ ص، وزیری.

امامت در اندیشه اسلامی از جایگاهی بلند برخوردار است. تصریحهای مکرر و تأکید و تنبّه فراوان از سوی

رسول الله -ص- در سالهای ابلاغ رسالت، همه و همه نشانگر آن است که رهبری و تداوم امامت نقش بسیار سازنده و عظیمی در سرنوشت امت دارد. از جمله نصوص اعجاز آفرین و بیدارگر این موضوع، حدیث مشهور «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة» است که با عبارتهای گونه گون و غالباً هم مضمون، مانند: «من مات و لا امام له مات میتة الجاهلیة» و «من مات یا غیر امام مات متیة الجاهلیة» و... در منابع و مصادر متعددی آمده است. مؤلف در این کتاب به گستردگی از استاد و محتوای این حدیث بحث کرده و از جهات مختلف به نقد و بررسیهای سودمندی دست یازیده اند. در آغاز بحث، معنای دقیق روایت مطرح شده و در ادامه آن متون مختلف «من مات و...» و احادیث همگون آن عرضه شده است. سپس از نقش امام در جامعه و شرایط آن سخن رفته و چگونگی تعیین امام و انعقاد امامت از نگاه شیعه تبیین شده است. مؤلف تأکید می کند که روایت «من مات ...» نشانگر لزوم شناخت امام است. از این روی سئوالهای جدی و تأمل برانگیزی را مطرح می کند که این توصیه و تأکید پیامبر(ص) برای شناخت چه کسی بوده است؟ (ص ۶۵-۷۵). مؤلف پس از تبیین آنچه یاد شد، برای پاسخی جدی به سئوالهای یاد شده، به پژوهشهای تاریخی و اعتقادی راهگشا می پردازد و احادیث و اخباری را گزارش می کند که نشانگر هدایتگری و نجات بخشی اهل بیت-ع- است و نیز چگونگی دستیابی بنی امیه به حکومت و انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس.

در بخش دوم از خاندانهای بنی امیه و بنی عباس سخن رفته و بر اساس منابع معتمد و موثق تاریخی، حدیثی و تفسیری، چگونگی رفتار و منش اجتماعی و سیاسی آنان نموده شده است. بخش سوم، سخن از جانشینان پیامبر اکرم(ص)، خلافت حق، و حق خلافت است و عرضه و بررسی روایتهای مربوط به بحث و





## المعجم المفهرس لالفاظ الاحاديث عن الكتب الاربعة

طبقه بندی مطالب در علوم مختلف از باارزشتترین کارهایی است که دانش پژوهان همواره به آن توجه داشته‌اند. این کار متناسب با هدفهای گوناگونی که هر دانشی پی جویی می‌کند، کیفیتهای مختلفی به خود گرفته و دائماً نیز در حال تکامل است.

احادیث نقل شده از رسول خدا-ص- و ائمه‌اهل بیت-ع- بخش عظیمی از علوم اسلامی را تغذیه می‌کند. ازین رو محدثین برای دستیابی بهتر و آسانتر به مضامین و الفاظ حدیث روشهای گوناگونی را به کار گرفته و در تکمیل آن کوشیده‌اند و کتابهای فراوانی که هر کدام به گونه‌ای احادیث را طبقه بندی می‌کند، تدوین نموده‌اند.

روشی که در زمان ما مورد توجه قرار گرفته است، تدوین معجم‌الفاظ است تا مراجعه کننده بتواند با در دست داشتن یک یا چند کلمه از حدیثی، به متن کامل و منبع آن دسترسی پیدا کند. کاری که با نبودن چنین فهرستی، عمرهایی را تلف می‌کند.

آخرین معجمی که درین زمینه منتشر شد و موجب خوشوقتی بسیار است، «المعجم المفهرس لالفاظ

نیز نقد و تحلیل «الأئمة من قریش» و «نقد و تزئیف روایت» المهدی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی» و... (۲۹۱).

سیر بحث تا بدین جا که یاد شد، روشن می‌کند که پیامبر به امت تنبه می‌دهد که باید رهبری راستین و راهبری حقدار و پیشوایی هدایتگر برگزیند تا خود را از حیات نکبت بار و مرگ جاهلی برهانند. بدین سان نوبت می‌رسد تا مؤلف بیست سؤال جدی را بر پایه‌این بحث مطرح کند و از خواننده منصف و هوشمند بپرسد که: این امامی که باید شناخت با شناخت آن از مرگ جاهلی رهید، کیست؟ عالم به قرآن، عامل به معارف آن و یا...؟ مطیع پیامبر و دل‌باخته راه خداوند و یا...؟ ستایش شده از سوی پیامبر و دارای فضایل والا و یا...؟ در ذیل این سئوالها مؤلف می‌کوشد شخصیت علمی، سیاسی و اوج معرفت والای علی بن ابی طالب(ع) را بنمایاند و جایگاه والای او و فرزندانش را در اسلام نشان دهد. و تأکید و تنبه آن عزیزان را در شناخت حق عرضه کند و از سوی دیگر، جهالتها، بی عدالتیها و زشتخوییهای دیگران را بنمایاند و ناشایستگی آنان را در تصدی خلافت و تکیه زدن بر مسند امامت نشان دهد و اندکی از کاستیها و نارواییهایشان را روایت کند. تمامت این بحثها متکی است به منابع معتمد و متون کهن و مورد توجه عامه، و با بیانی روان و لحنی تقریباً معتدل و دور از گزندگی تعبیر.

بر روی هم کتاب شناخت امام، از جمله آثار سودمندی است که در باب امامت نگاشته شده است. توفیق نویسنده را در سامان بخشیدن به پژوهشهایی از این دست از خداوند خواستاریم.

یادآوری کنم که کتاب، آکنده است از احادیث مختلف و آثار گونه‌گون که اگر فهرستی دقیق در پایان کتاب از آیات، روایات و آثار ارائه می‌شد، با توجه به اینکه در پانوشتها منابع متعدد آنها آمده است، محققان را سودمند و کارآمد می‌توانست باشد.

محمدعلی مهدوی راد

ترتیب صرفی در تنظیم مشتقات به کار گرفته شده است؛ روشی که برای مراجعه کنندگان تا حدی ناآشناست.

۳. امکان داشت با مطالعه بیشتر روشی پیش گرفته شود که حدیث در چاپهای گوناگون هر کتاب پیدا شود، تا کسی که چاپهای غیر از آنچه مورد فهرست قرار گرفته است، به دست دارند، بتوانند از این معجم استفاده کنند؛ بویژه که امکان چاپهای جدید متعددی نیز وجود دارد.

۴. در تنظیم احادیث وارده، ذیل یک واژه هیچ ترتیبی در نظر گرفته نشده است. و این در واژه هایی که شمار ورودشان در احادیث زیاد است، زحمت زیادی ایجاد می کند و وقت زیادی را تلف می نماید. خصوصاً که معجم به خاطر مراعات امور فنی با خط ریزی نیز چاپ شده است. به هر حال، اگر مثلاً کلمه وارده پس از کلمه فهرست شده نیز مورد نظر قرار می گرفت و در ترتیب ابجدی به حساب می آمد، کار را بسیار آسانتر می کرد.

۵. کلمات باید بیش از این از هم جدا می شدند. مثلاً ذیل واژه «ابا» تمامی وجوه آن (ابا، اباه، اباک، اباهم، ابا... ) یکجا و به صورت درهم آمده است که اگر اینها از هم تفکیک می شد و هر کدام به ردیف در کنار هم می آمد، کار مراجعه کننده بسیار آسانتر می شد.

۶. حروفچینی کتاب طوری است که حجم کتاب را بدون اینکه نیازی باشد، نزدیک به دو برابر کرده است. یعنی شماره های ذکر شده هر کدام در خط مستقلی آمده است، در صورتی که به سادگی امکان داشت حاشیه، سفید کتاب کمتر گرفته شود و با بیشتر شدن عرض خطوط، بخش وارده از حدیث و شماره نشانی آن هر دو در یکجا چاپ شود و مقدار زیادی از حجم کتاب و هزینه آن کم گردد.

الاحادیث عن الكتب الاربعة» است، که جلد نخست آن پس از انتظار زیاد به دست مشتاقان رسید. در این کتاب، احادیث کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، تهذیب) به صورت واژه ای فهرست شده است و کار دستیابی به احادیث موجود در این چهار کتاب را - که پس از قرآن، منبع اصلی علوم اسلامی نزد شیعیان است - بسیار آسان می گرداند.

در این معجم که به همت مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و با زحمات زیاد مؤلفان آن تدوین شده است، از تجربه هایی که در کتابهای مشابه آن انجام یافته، استفاده شد، و بعضی کاستیهای آنها نیز برطرف شده است. نگارنده با خوشحالی زیاد جلد اول معجم را تهیه کردم و در مراجعات مکرری که داشتم، نکاتی به نظرم رسید که اگر مراعات شود، هدف تدوین کتاب را بهتر تأمین می کند. برخی از این نکات مربوط به کیفیت تنظیم معجم و برخی نیز مربوط به کیفیت چاپ آن است که در ذیل آورده می شود:

۱. در مقدمه معجم باید چاپهای مورد استناد معرفی می شد و به شهرت آنها در بازار بسنده نمی گشت. چون اولاً این معجم تنها برای امروز تدوین نمی شود و در آینده به چاپهای متعددی از این کتابها به بازار عرضه خواهد شد. لذا کسی که این کتاب به دستش می رسد باید بداند چاپ مورد استناد در این کتاب کدام است. افزون بر این، از بعضی از کتابهای فهرست شده، هم اکنون بیش از یک چاپ در بازار موجود است و در دست خوانندگان قرار دارد.

۲ - ترتیب تنظیم مشتقات توضیح داده نشده و خواننده به دریافت خود حواله شده است. در صورتی که این توضیح برای کسی که بار نخست به استفاده از این کتاب می پردازد، لازم است. بویژه با روش خاصی که مورد استفاده قرار گرفته و ترتیب ابجدی به جای



### هكذا عرفتهم

جعفر الخليلي. (قم، منشورات الشريف الرضي، ۱۴۱۲). ج ۶، ۶۰۰ + ۲۷۲ + ۳۴۰ + ۲۳۱ + ۲۶۴ + ۲۷۹ ص، وزیری.

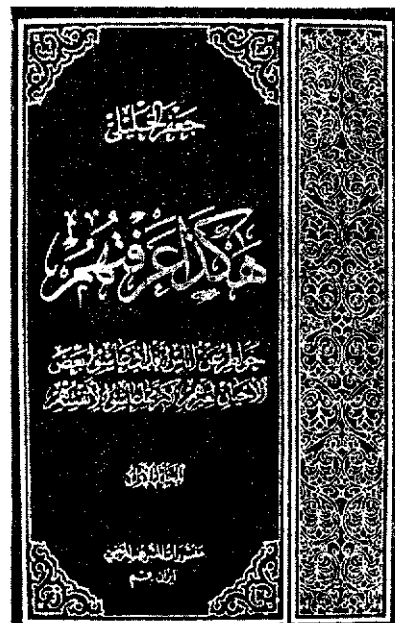
شرح حال نگاری و گزارش سوانح زندگانی رجال در مجموعه‌های مدون فرهنگ اسلامی از پیشینه کهنی برخوردار است و شاید توان گفت از آغازین مجموعه‌هایی است که در تاریخ اسلام تدوین شده‌اند. مورخان و شرح حال نگاران در تدوین این آثار، چه به لحاظ تدوین و چه به لحاظ اطلاعات عرضه شده در آنها، شیوه‌های گونه‌گونی داشته‌اند. بی‌گمان به لحاظ محتوا و گزارشهای عرضه شده در این آثار، مطمئن‌ترین و سودمندترین گزارشها، اخبار و نقلهای کسانی خواهد بود که از نزدیک آن افراد را می‌شناختند و با حضور در کنار آنها و آگاهی از چگونگی مواضع آنها، گزارشهایی را به قلم آوردند. کتاب نویسنده پرکار و خوش نویس، جعفر خلیلی، از این گونه آثار است. او در این کتاب (هكذا عرفتهم = آنان را بدین سان شناختم)، شرح حال و سوانح زندگانی و مسائل مربوط به زندگانی تنی چند از عالمان، فقیهان، ادیبان، سیاستمداران و... را به گونه‌ای دلپذیر و کاملاً ابتکاری به رشته تحریر درآورده و اثری بدیع و کارآمد عرضه کرده است. وی در ترسیم چهره اشخاص و تبیین خلق و خوی و رفتار رجال، از لابلای حوادث زندگی و موضعگیری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، می‌کوشد و گاه با استواری تمام و دیگرگانه با آمیزه‌ای از عواطف و... قلم زند. کتاب خلیلی شرح حال صرف نیست. او در ضمن شرح حالها از حوادث سیاسی، جریانهای فرهنگی، مجامع ادبی و نمودهای اجتماعی و معیشتی سخن می‌گوید. تبیین او از حوادث گاه بسیار دقیق و نکته‌نگرانه است. در ضمن شرح حالها، قصه‌ها، لطیفه‌ها و بذله‌گوییها را فراموش

۷. مواد یاد شده در سر صفحه‌ها که عنوان هر صفحه محسوب می‌شود، در طرف داخل صفحات است، در صورتی که سلیقه فنی ایجاب می‌کند در طرف بیرون باشد. این نکته گرچه بسیار کوچک است، ولی در مراجعه اهمیت دارد.

۸. صحافی کتاب به صورت بسیار نامطلوبی (ته چسب) انجام گرفته است و برای این کتاب که باید در دست مراجعه کننده مرتباً ورق بخورد، نامناسب است. ۱۰. بررسی میزان دقت این معجم فرصت دیگری را می‌طلبید ولی در حین بعضی مراجعات به چند غلط جایی برخوردم که شاید تذکرشان بی‌فایده نباشد.

صفحه	ستون	سطر	غلط	صحیح
۳	۱	۱۷	۲/۱۶۳ک	۳/۱۶۳
۷	۲	۸	۲/۱۴۹ک	۲/۴۱۹
۹	۱	۲۰	۱/۲۴۹ک	۱/۲۶۹
۹	۱	۲۷	شقییا	شقییا

محسن بیدارفر



نمی کند (ج ۱، ص ۲۵، ۶۰، ۶۹، ۱۱۷، ۱۱۸، ج ۲، ص ۵-۱۴ و:). و با گزارش نزاعها، بگو- مگوها، چگونگی موضعگیریها، گزارش محتوای منبرها، خطابه ها، حب و بغضا، تصفیه حسابهای شخصی، گروهی و... عملاً تاریخ اجتماعی- فرهنگی آن دیار (و غالباً نجف را) عرضه می کند. (ج ۱، ص ۱۳۷، ۲۴۶ و...)

نویسنده در ضمن شرح حالها، به دیدگاهها، باورها، نظریه ها، و فتاوی عالمان و فقیهان اشاره می کند و از این رهگذر درباره چگونگی شخصیت آنها به تحلیل می نشیند. در این باب، از جمله شرح حال علامه سید محسن امین، علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه محمدرضا مظفر، خواندنی و تنبه آفرین است.

او از حرکت های اصلاحی علامه سید محسن امین و نبرد وی با خرافه و نیرنگ و تصحیح اندیشه دینی بدقت سخن می گوید. پشتیبانی بیدریغ آیه الله اصفهانی را بخشی از حرکت های وی گزارش می کند و موضع مخالفان را می آورد و چگونگی بهره وری مخالفان حرکت اصلاحی آن بزرگواران را از ذهنیت سنتی عوام و غوغا سالاری منبرها و خطیبان می نمایاند، که همه و همه خواندنی است. ماجرای فتوای آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی درباره حرمت قمه زنی و ضرب و شتم در عزاداری عاشورا را در ذیل چندین شرح حال به گونه های مختلف به شرح آورده که این ماجرا و چگونگی آن نیز نکته آموز است.

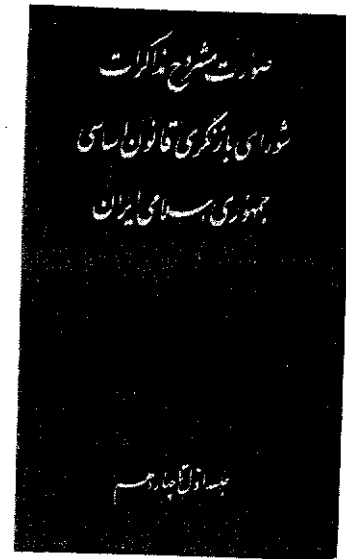
مؤلف با توجه به موضعگیریها، منشها و روشهای شخصیتها، به تحلیل شخصیت آنان می پردازد و گاه در ترسیم چهره ها و عرضه جایگاه رجال، زیبایی سخن می راند. گاهی نیز قلم حالت شاعرانه و ادیبانه به خود می گیرند و سرشار از لطافت و ظرافت می شود.

معرفی تفصیلی و دقیق این اثر فرصتی بسنده تر،

و مجالی گسترده تر می طلبد. اکنون برخی از شرح حالهایی را که به تفصیل آمده و شایان توجه است، می آورم: سید رضا هندی (ج ۲، ص ۲۱)، شیخ جواد شبیبی (ص ۵۰)، شیخ محمدحسین حیدر (ص ۸۱)، سید ابوالحسن اصفهانی (ص ۹۷)، شیخ محسن شراره (ص ۱۲۱)، شیخ محمدرضا کاشف الغطاء (ص ۱۴۱)، سید محسن امین عاملی (ص ۲۰۲)، محمدحسین کاشف الغطاء (ص ۲۲۵)، شیخ عبدالحسین حلّی (ص ۲۲۵)، شیخ محمدکاظم شیخ راضی (ص ۲۹۵)، سید علی بحر العلوم (ص ۳۱۱)، شیخ عبدالکریم جزائری (ص ۳۶۷)، شیخ محمدرضا مظفر (ص ۱۱)، محمدرضا شبیبی (ص ۱۰۸)، محمدعلی یعقوبی (ص ۱۴۵)، سید هبة الدین شهرستانی (ص ۱۹۵) و شیخ محمدعلی خلیلی. و نیز: توفیق فکیکی (ج ۳، ص ۴۱)، مصطفی جواد (ص ۷۳) که بسیار مفصل و پرنکته است، سید حسین حسینی مفتی جعفری بیروت، عباس خلیلی برادر مؤلف که زندگینامه ای است درازدامن و سرشار از نکات سیاسی، ادبی فرهنگی و اجتماعی.

در پایان جلد چهارم، شرح حال گونه ای از مؤلف و آثار وی نیز آمده است. به هر حال، چنانکه به اشارت آوریم، بر روی هم کتاب فراتر از شرح نگاری است و درباره تاریخ فرهنگ، سیاست و ادب عراق نکات مهمی دارد؛ و گرچه ممکن است خواننده با برخی از موارد آن همسو نباشد، اما از نکته بینها و گزارشهای دقیق آن فراوان سود خواهد برد.

محمدعلی مهدوی راد



صورت مشروح مذاکرات شورای بازرنگری  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (تهران،  
اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس  
شورای اسلامی، ۱۳۶۹). ج ۳، ص ۱۷۰۶،  
وزیری.

۱ - قانون اساسی متضمن کلیه قواعد و مقررات  
مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است. حدود آزادی  
فرد در برابر قدرت، و حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم  
در برخورد با حوزه حقوق فردی در قانون اساسی  
تعیین می شود. قانون اساسی به مفهوم مادی آن در  
همه جوامع تکامل یافته یافت می شود؛ اما به عنوان یک  
سلسله اصول و قواعد مدون زیر لوای یک متن رسمی  
و به عنوان یک قانون برتر، دستاورد نهضتی است که  
در مغرب زمین در پی انقلاب صنعتی در جهت «قانون  
سازی» جوامع به وقوع پیوست. هدف اصلی این  
حرکت، پایان دادن به خودسری حکام و تأمین آزادیهای  
فردی بود. این جنبش از ایالت متحده آمریکا در سال  
۱۷۸۷م آغاز گردید و در سال ۱۷۹۱م با انقلاب فرانسه  
به اوج خود رسید. (ر.ک: حقوق اساسی و نهادهای  
سیاسی از دکتر ابوالفضل قاضی، چاپ دانشگاه تهران،  
ص ۸۹-۱۱۲).

۲ - در جهان اسلام، نهضت قانون خواهی و تکیه  
بر حقوق اساسی یک قرن پس از غرب و تحت تأثیر آن  
آغاز شد. نخستین حرکت در این زمینه به نام «تنظیمات»  
خوانده می شود و در عهد سلطان عبدالمجید عثمانی  
(۱۸۶۱ - ۱۸۳۹) منجر به تنظیم امور دولت بر اساس  
جدید گردید. اولین قانون اساسی در مشرق زمین در  
سال ۱۸۷۶م (۱۲۹۳ق) در عهد سلطان عبدالحمید  
عثمانی (۱۸۷۶-۱۹۰۹) به نام «مشروطه» توسط  
مدحت پاشا و جمعی از متفکرین با هدف تلطیف حکومت  
مطلقه سلطنتی به وسیله مشروطه کردن آن به مراعات  
قانون اساسی نوشته شد. این قانون که اهم اصول آن  
از قوانین اساسی غربی اخذ شده است، نظام سیاسی را  
سلطنتی موروثی پارلمانی محصور در آل عثمان ترسیم  
کرده و قوای حاکم را به دو قوه مقننه و اجرائیه تقسیم  
می کند. سلطان مقامی مقدس و غیر مسؤول است که  
نصب و عزل وزراء به دست اوست. قوه مقننه از دو  
مجلس انتصابی سنا (اعیان) و مجلس انتخابی شورا  
تشکیل می شود. ضمناً «مجله احکام عدلیه» شامل قانون  
مدنی دولت عثمانی نیز در سال ۱۲۹۳ هـ. ق (۱۸۷۶م)  
منتشر شد. (ر.ک: الانظمة السياسية و الدستورية فی  
لبنان و سائر البلدان العربیة از دکتر حسنی الحسن،  
ص ۱۷-۲۴).

۳ - سی سال پس از قانون اساسی ایران در ۵۱  
اصل در زمان مظفرالدین شاه قاجار به تصویب  
می رسد. این قانون مانند قانون اساسی عثمانی اقتباس  
از قوانین غربی است. در پی پافشاری علما برای تطبیق  
قانون با قواعد شرع بالاخره، در تاریخ ۲۹ شعبان  
۱۳۲۵، متمم قانون اساسی در ۱۰۷ اصل در زمان  
محمدعلی شاه قاجار به تصویب می رسد. در تاریخ آذر  
۱۳۰۴ با تغییر اصول ۳۸ و ۳۷ و ۳۶، انتقال قدرت از  
خاندان قاجار به خاندان پهلوی هموار می شود. (ر.ک:

لغتنامه دهخدا، ذیل واژه قانون اساسی).

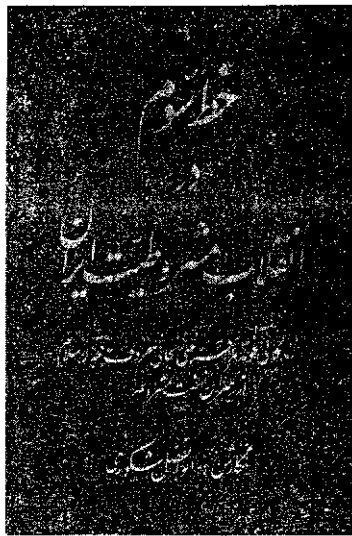
قانون اساسی چه در ایران و چه در عثمانی، اگر چه امید می آفرید، اما هرگز از استبداد هیأت حاکمه و تجاوز به حقوق حق ملت جلوگیری نکرد.

۴ - با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با عضویت ۷۲ نفر (از جمله ۴۲ مجتهد) از برگزیدگان ملت، پس از سه ماه شورا و تشکیل ۶۷ جلسه رسمی علنی، در ۱۷۵ اصل تنظیم شد و در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تصویب امام و امت رسید. این قانون نخستین تجربه توفیق حقوق اساسی جدید با قوانین فقه شیعی در قالب یک حکومت اسلامی است. توجه به آزادیهای مردم، روح استبداد ستیزی و تمرکزگریزی و استقلال، از ویژگیهای بارز این قانون است. در تمامی این قانون، ثنویت دو نظام حقوقی بخوبی به چشم می خورد. اما شور انقلابی و در پی آن جنگ تحمیلی و از همه مهمتر رهبری خاص مرحوم امام خمینی-ره- کمتر به این تضاد اجازه بروز داد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط مجلس شورای اسلامی در سه جلد و در ۱۸۸۷ صفحه در سال ۱۳۶۴ چاپ شد. در سال ۱۳۶۸ جلد چهارم این مجموعه تحت عنوان راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان در ۴۵۷ صفحه چاپ شد که استفاده از مذاکرات یاد شده را بسیار آسان می کند.

۵ - پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عادی شدن نسبی شرایط و آغاز دوران بازسازی، با تکیه به بعضی ضعفها و نواقص که در طی ده سال به دست آمده بود، و از آنجا که در قانون اساسی نمره تجدید نظر مشخص

نشده بود، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای عالی قضایی از مرحوم امام خمینی-ره- رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، تقاضای بازنگری در قانون اساسی کردند. مرحوم امام در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۲۴ طی نامه ای به رئیس جمهور وقت هیئتی متشکل از بیست نفر از رجال مذهبی و سیاسی و پنج نفر به انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مأمور بازنگری و اصلاح قانون اساسی در چند محور نمودند. از جمله: شرایط رهبری، عدم تمرکز در مدیریت قوای مجریه و قضائیه و صدا و سیما، چگونگی بازنگری قانون اساسی در آینده، مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام، تعداد نمایندگان و تغییر نام مجلس شورا. در اثنای کار این شورا، امام خمینی-ره- معمار بزرگ جمهوری اسلامی، ندای حق تعالی را لبیک گفت و جهان اسلام را به سوگ خود نشانید. شورای بازنگری از تاریخ ۷ اردیبهشت تا ۲۰ تیرماه ۱۳۶۸، با تشکیل چهار کمیسیون و طی ۴۱ جلسه علنی ضمن اصلاحاتی در اصول و سرفصلها و مقدمه قانون اساسی، چهل و هشت اصل مدون را به تصویب نهایی رسانید. قانون اساسی بازنگری شده در سه جلد در ۱۱۳۷ صفحه به همت مجلس شورای اسلامی منتشر شده است. در مقدمه جلد اول وعده داده شده که این مجموعه چهار جلدی است که قاعدتاً جلد چهارم به راهنمای استفاده از این مذاکرات و معرفی مجلس و اعضای آن اختصاص خواهد داشت. امیدواریم که این جلد بدون تأخیر منتشر شود.

۶ - این دو مجموعه (مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی) دو سند گرانبهای جمهوری اسلامی است و به لحاظ فقهی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، حائز اهمیت فراوان است و

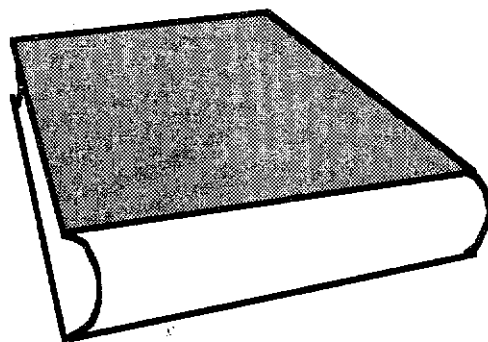


خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران. ابوالفضل شکوری. (زنجان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱). ۵۷۴ص، وزیری.

تاریخ معاصر و جریانهای گوناگون آن در این مرز و بوم آمیخته است به اغراض مختلف و جهتگیریهای یکسوگرایانه. در این بخش از تاریخ ایران، مردان بزرگ و چهره‌های بلندی به عمد به فراموشی سپرده شده‌اند و قلّه سانانی با دستهای آلوده مورخ نمایان تحریف گشته‌اند و تاریخ به گونه‌ای رقم زده شده است که از لابلای اوراق متراکم آن، چهره حقیقی و بی پیرایه حوادث و افراد را دیدن، دشوار است. فقیه نامدار، مجتهد استوار، عالم بیدار، مرحوم آخوند ملا قربانعلی زنجانی، معروف به حجة الاسلام، از رهبران نهضت مشروعه و راست قامتان میدان حقگویی و حقگرایی، از این گونه افراد است. جناب ابوالفضل شکوری، از فاضلان سختکوش که سالهاست در تاریخ به توغل پرداخته‌اند، در این اثر گرانقدر کوشیده‌اند تا با کاویدن منابع گوناگون و بهره‌وری از اطلاعات محلی، چهره بلند این شخصیت عظیم الشان را بازشناسی کنند و شخصیت حقیقی آن بزرگوار را بر پایه روایات مستند

مطالعه دقیق آن بر فقها، حقوقدان، مورخین و پژوهندگان مسائل سیاسی فرض است. آنچه در مشروح مذاکرات شوای بازنگری قانون اساسی عیان است، روحیه تمرکزگرایی و شوراگریزی است. از مهمترین نکاتی که در بازنگری مورد بحث واقع شده، عبارت است از: مسأله ولایت مطلقه فقیه، نحوه نظارت بر عملکرد ولایت فقیه، توقیت ولایت فقیه. مطالعه دقیق این مذاکرات در چگونگی تفسیر قانون اساسی مؤثر است. آنچه حائز اهمیت فراوان است، این نکته است که چنین مطالب محوری و حیاتی در تفکر سیاسی و حقوق اساسی مردم با چه میزانی از عمق و اتقان مباحث فقهی و حقوقی تدوین شده و چه مقدار اهداف اولیه انقلاب رعایت شده، و به چه میزانی مصالح سیاسی زمان در تدوین و زاویه نگرش اعضا خالت داشته است؟ مطالعه و تأمل در شروح مذاکرات شورای بازنگری پاسخ مناسبی به سؤال محوری یاد شده است. به هر حال این مجموعه آینه تفکر حقوق اساسی و میزان بنیش سیاسی روزگارماست.

محسن کدیور



و معتمد تاریخی بنمایاند. مؤلف در پیشگفتار کتاب از منابع مورد استفاده در این تحقیق سخن می گوید و آنگاه با نگاهی به موقعیت استراتژیک زنجان در عصر حجة الاسلام، سابقه تاریخی حوزه علمی زنجان را گزارش می کند و سپس با بحثی سودمند درباره لقب «حجة الاسلام» و دیگر القاب دینی، پیشگفتار را پایان می برد.

آنگاه بخش اول کتاب است با عنوان «حجة الاسلام از طلوع تا افول»، و در هشت فصل. در فصل اول، مؤلف می کوشد چهره بلند و جریان ساز حجة الاسلام را بنمایاند و در ادامه آن از جاذبه ها و دافعه های شخصیت وی سخن می گوید. فصل سوم با عنوان «شخصیت حجة الاسلام از تحریف و پندار تا واقعیت»، نگاهی است واقع بینانه به چهره حجة الاسلام و رهانیدن شخصیت این بزرگوار از داوریه های یکسویه. فصل چهارم عهده دار تبیین تفکر مشروعه خواهی است به عنوان جریان مغضوب در نهضت مشروطیت. آنگاه فصل پنجم عهده دار بحث از جایگاه حجة الاسلام است، با نقد و بررسیهای دقیق و هوشمندانه از گزارشهای تاریخی و نیز داوریه های مورخان و... فصل ششم از شخصیت دینی-اجتماعی و نفوذ مردمی حجة الاسلام سخن گفته و در فصل هفتم اصول اندیشه ها و سیره سیاسی حجة الاسلام را به بررسی نهاده که مهم است و خواندنی. در فصل هشتم که فصل پایانی این بخش است، در سرانجام کار حجة الاسلام سخن رفته است. حقایق گزارش شده در این بخش تأمل برانگیز است و دستهای آلوده تحریفگر که در این بخش به اجمال شناسانده شده اند و قابل توجه و بیدارگر.

در بخش دوم، در ضمن سه فصل، از استادان، شاگردان و آثار علمی حجة الاسلام سخن رفته و بدین سان، چهره های بلندی از فقیهان، اصولیان و عالمان

حوزه های علوم اسلامی شناسانده شده است. بخش سوم با عنوان «شخصیت و محیط زندگی حجة الاسلام از نگاه راویان و شاهدان عینی»، خاطره ها و گزارشهای گوناگونی را عرضه می کند که مستقیماً جریانها و مسائل مربوط به حجة الاسلام را گزارش کرده اند. در بخش چهارم با نگاهی گذرا به زندگانی برخی از اعلام کتاب، شرح حال کوتاه تنی چند از عالمان و چهره های اجتماعی و سیاسی گزارش شده است، بخش پنجم با عنوان «اسناد و تصاویر»، پایان بخش کتاب است.

کوتاه سخن اینکه مؤلف با تلاشی ستودنی، چهره ای مظلوم و استوار و سختکوش را شناسانده و غبار تحریف را از چهره زیبای آن بزرگوار سترده است و از سوی دیگر بخشهای مهمی از تاریخ معاصر، بویژه جریان مشروطیت را با تکیه بر اسناد معتمد، تحلیل و عرضه کرده است. و بالاخره با پرداختن به استادان، شاگردان، معاشران و دیگر چهره های تاریخی آن دوران، بسیاری از رجال علم و سیاست را شناسانده است. از این روی «خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران»، کتابی است تاریخی، رجالی و سیاسی و از آثاری است که خلأ قابل توجی را پر کرده است. به مؤلف سختکوش آن دست مریزاد می گوییم و تلاشش را در این باره می ستاییم.

محمدعلی مهدوی راد

